

## نمی از یم صحیفه

به مناسبت ایام شهادت حضرت امام زین العابدین (ع) بر آن شدیم، تا به یاد بود آن امام بزرگوار، سراغی از گنجینه پر رمز و راز و زندگی بخش منسوب به آنحضرت بگیریم. صحیفه سجادیه کتابی است در ردیف نهج البلاغه و به قول آن عالم بزرگ سنی مذهب فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق، انسان اگر در میان دعاهای صحیفه بدرستی بنگرد، پاسخ بسیاری از سؤال های عملی و گمشده های درونی خویش را خواهد یافت.

گاه از این کتاب شریف بنام انجیل اهل بیت (ع) و یا زبور آل محمد(ص) نیز یاد می شود، چنانکه امام خمینی (ره) در ابتدای وصیتنامه سیاسی - الهی خویش با همین نام از صحیفه سجادیه به عنوان یکی از مفاخر بزرگ شیعه یاد نموده است. در این جا، مناسب می دانم، خاطره ای از دانشمند، فیلسوف و شرق شناس بزرگ آلمانی آن ماری شیمل در این خصوص نقل نمایم، در یکی از یاد نامه ها، در رابطه با شخصیت خانم آن ماری شیمل چنین نگاشته شده بود: ایشان دوستی داشت، که مسیحی و بسیار مذهبی بود و هر صبح و شام مقید بود که دعایی را بخواند، خانم شیمل ترجمه آلمانی یکی از دعاهای حضرت امام زین العابدین (ع) را که خودش ترجمه کرده بود، برای دوستش می فرستد، پس از مدتی دوست ایشان به او خبر می دهد، که من از این به بعد با این دعاها و این ترجمه به عبادت می پردازم.

و حقیقتاً، مفاهیم و ارزشهای برتر انسانی، چنان در این ادعیه شریفه موج می زند که هر دل پاک و آماده و تشنه ای را ولو اینکه مسلمان هم نباشد، غرق زیبایی و طراوت روحانی خویش می نماید نکته ای که در باره این ذخیره گرانمایه در خور توجه است، آن که به فراخور گوناگونی حالات و نیازهای زندگی انسان، این ادعیه از تنوع قابل توجهی برخوردار است و با مروری کوتاه بر فهرست این صحیفه نورانی به حقیقت این امر واقف می گردید، و چه حیف است، که شیعیان آنحضرت از این دریای بی پایان بی نصیب و مهجور باشند، لذا از باب تحریک ذائقه معنوی دوستان اهل دل عباراتی چند از آن کتاب گرانسنگ را که از دعاهای مختلف صحیفه سجادیه انتخاب شده است با ترجمه مناسب، خدمتتان تقدیم می گردد:

در دعای اول در حمد و ستایش خداوند متعال چنین می خوانیم:

..... والحمد لله الذی لو حبس عن عباده معرفه حمده علی ما ابلاهم من مننه المتتابعه واسبغ علیهم من نعمه المتظاهرة، لتصرفوا فی مننه فلم یحمدوه و توسعوا فی رزقه فلم یشکروه و لو کانوا کذالک لخرجوا من حدود الانسانیه ای الی حد البهیمیه، فکانوا کما وصف فی محکم کتابه:  
« ان هم الا کالانعام بل هم اضل سبیلاً ».....

سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناخت سپاسگزاری بر عطایای پیاپی که به آنان داده و نعمت های پیوسته که بر ایشان کامل ساخته محروم می نمود، نعمت هایش را صرف نموده و سپاس نمی گزاردند، و در روزی او وسعت فراخی یافته و او را شکر نمی کردند و اگر چنین می بودند از مرزهای انسانیت خارج شده بودند و به حدود حیوانیت می رسیدند، و همانطوری می شدند که خداوند در کتاب محکمش فرموده:

( این ها فقط مثل چهار پایانند، بلکه از آنان هم گمراه ترند). ....

در قسمتی از دعای بیستم صحیفه معروف به دعای مکارم الاخلاق چنین می خوانیم:

« ..... و استعملنی بما تسئلنی غداً عنه و استفرغ ایامی فیما خلقتنی که .....»

(خدایا) و مرا در کاری قرار ده که فردا مرا از آن باز پرسی می کنی و روزگاران و عمرم را در آنچه که

برای آن خلقم کرده ای مصروف دار....»

در قسمت دیگری از این دعا چنین می فرماید:

«اللهم صل علی محمد و آل و آله ترفعی فی الناس درجه الا حططتی عند نفسی مثلها و لا تحدث لی

عزاً ظاهراً الا أحدثت لی ذلة باطنه عند نفسی بقدرها.....»

(..... بار خدایا بر محمد و آلش درود فرست و مرا درجه و مرتبه ای نزد مردم بلند مگردان مگر آن که مرا

به همان اندازه نزد خودم پست گردانی و عزتی آشکار برایم ایجاد مکن مگر که به همان اندازه در باطنم

خاکسار و ذلیل سازی.....)

در قسمتی از دعای بیست و چهارم که راجع به دعای آنحضرت برای والدین گرامیشان می باشد، چنین آمده

است که:

« اللهم اجعلنی اهابهما هیبة السلطان العسوف، و ابرهما برالامّ الرؤوف ..... حتی اوثر علی هوای

هواهما و اقدم علی رضای رضاهما....

( ..... خداوندا چنان کن که از هیبت پدر و مادرم مثل هیبت سلطان مستبد و خود کامه بهراسم (حساب

ببرم) به هر دوی ایشان مثل مادری مهربان نیکی نمایم.....

(..... تا اینکه خواسته ایشان را بر خواسته خود ترجیح دهم و خرسندی و رضایت ایشان را بر رضایت خویش

مقدم دارم.....)

\* در ترجمه، از کتاب صحیفه سجادیه ترجمه استاد انصاریان کمک گرفته شده است.